

مدیریت دانش و برنامه‌ریزی منابع سازمان با نگرش سیستم‌های اطلاعاتی

• دکتر محمد حسن زاده^۱
عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

جامع و کنترل کیفیت جامع»، «طراحی الگوی بنیة توزیع کاران با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره در سازمان‌های تولیدی و خدماتی»، «طراحی پارامتری یک روش اقتصادی بهینه‌سازی فرآیندهای تولیدی در سطوح عملیاتی مدیریت»، «تعارض فردی و چگونگی شکل‌گیری آن در سازمان‌ها»، «جایگاه تبلیغات در تصمیم‌گیری خرید مشتریان»، «گریز ناپذیری تعارض در سازمان‌ها»، «ارزیابی زمینه‌های پیاده‌سازی برنامه‌ریزی مفاهیم بنگاه»، «ارزیابی عملکرد با استفاده از مدل بلوغ توانایی سازمان»، «کنترل موجودی احتمالی»، «مهندسی ارزش».

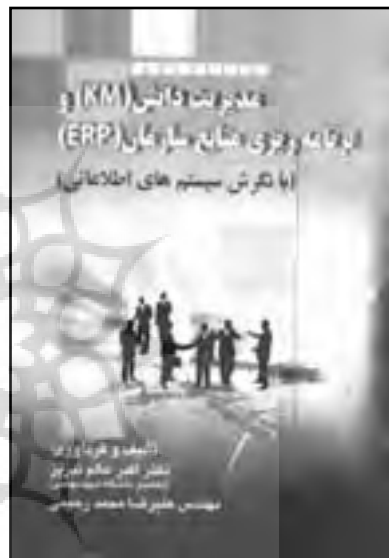
دکتر اکبر عالم تبریز همچنین بیش از صد پایان‌نامه را در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری راهنمایی کرده است. نویسنده درباره نویسنده دیگر کتاب اطلاعات خاصی را به دست نیاورده است. از این رو، مطلبی برای معرفی ایشان ارائه نشده است.

درباره موضوع کتاب

امروزه سازمان‌ها به صورت عام و واحدهای تولیدی به صورت خاص با دو پدیده برجسته مواجه شده‌اند که کارکردهای آنها را تحت تأثیر جدی قرار داده است. نخستین پدیده مطرح شدن دانش به عنوان سرمایه سازمانی و برگ برنده رقابت در بازار متغیر کنونی است، به گونه‌ای که سازمان‌ها برای بقای پویا و تأثیرگذار خود ناگزیر از پردازش و استفاده از ارزش افزوده منابع دانشی خود هستند. دومین پدیده، ظهور فناوری اطلاعات، به ویژه نظام‌های اطلاعاتی است که به عنوان مجموعه‌ای از ابزارها و افزارها امکان پردازش بلادرنگ و دقیق اطلاعات را برای مدیران و تصمیم‌گیران سازمان در سطوح مختلف فراهم آورده است.

تلاقی این دو پدیده در سازمان‌ها موجب شکل‌گیری نظامی یکپارچه با عنوان «برنامه‌ریزی منابع سازمان»^۴ شده است که برنامه‌ریزی، تولید، فروش، بازاریابی، توزیع حسابداری، مدیریت منابع انسانی، مدیریت پروژه، مدیریت موجودی، مدیریت خدمات، نگهداری، تعمیرات، مدیریت حمل و نقل و نظیر آن را به صورت جامع تحت پوشش قرار داده و جریان اطلاعات در درون و بین بخش‌های مختلف سازمان را مدیریت می‌کند.

می‌توان گفت که برنامه‌ریزی منابع سازمان، به مثابه یک ابزار قوی، کارآمدی‌های زیادی برای مدیریت دارایی‌های دانش سازمان‌ها دارد. نحوه کارکرد نظام برنامه‌ریزی منابع سازمان برای مدیریت دانش سازمانی و دستیابی به اهداف رقابتی و توسعه‌ای سازمان تا حدود زیادی به کارآمدی سیستم‌های اطلاعاتی بستگی



■ عالم تبریز، اکبر، محمد رحیمی، علیرضا. مدیریت دانش و برنامه‌ریزی منابع سازمان با نگرش سیستم‌های اطلاعاتی. تهران: صفار - اشراقی، ۱۳۸۷، ۲۹۶ ص، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۸۸-۲۰۵-۱

درباره مؤلف کتاب

دکتر اکبر عالم تبریز متولد ۱۳۳۴ و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی است. دانشنامه کارشناسی علوم سیاسی خود را از دانشگاه شهید بهشتی و کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی را از آمریکا دریافت کرده و دوره دکتری را نیز در رشته مدیریت با گرایش تولید در ترکیه گذرانده است. وی دارای سوابق علمی و اجرایی بارز در حوزه مدیریت و بازرگانی است که در حوزه اجرایی می‌توان به مدیریت گروه‌های مدیریت دانشگاه شهید بهشتی و مدیریت صنعتی دانشگاه آزاد اراک و سمنان و مشاوره در سازمان‌های مختلف فرهنگی و تولیدی اشاره کرد. برخی از تألیفات وی عبارتند از: مدل‌های متاهپوستیک، مدیریت تولید و عملیات، مدیریت تولید و عملیات پیشرفته با رویکرد ناب، زنجیره تأمین و مدیریت ارتباط با مشتری، مدیریت تولید و عملیات پیشرفته با رویکرد ارزیابی عملکرد، بی.اس.سی. ای.اف. کی.وام. و مهندسی ارزش. از مقالات وی نیز می‌توان اینها را نام برد: «عوامل مؤثر در رشد بهره‌وری مجله مطالعات بهره‌وری»، «مقایسه مدیریت کیفیت



دارد که به‌عنوان زیرسیستم‌های فرعی برنامه‌ریزی منابع سازمان عمل می‌کنند.

تألیف کتاب در حوزه برنامه‌ریزی سازمان اگرچه در کشورهای پیشرفته سابقه‌ای تقریباً همسان با ظهور فناوری‌های نوین اطلاعات دارد، در ایران سابقه نسبتاً کوتاهی دارد. این کتاب به‌عنوان یکی از منابع داخلی در این زمینه تلاش کرده است که سه مفهوم مهم «سیستم‌های اطلاعاتی»، «مدیریت دانش» و «برنامه‌ریزی منابع سازمان» را با هدف ارائه‌ی بینشی درست به مدیران، دانشجویان و علاقه‌مندان این حوزه ارائه کند.

تألیف کتاب در حوزه برنامه‌ریزی سازمان اگرچه در کشورهای پیشرفته سابقه‌ای تقریباً همسان با ظهور فناوری‌های نوین اطلاعات دارد، در ایران سابقه نسبتاً کوتاهی دارد

نشر در حوزه برنامه‌ریزی منابع سازمان

اگرچه بحث‌های مقدماتی درخصوص برنامه‌ریزی منابع سازمان سابقه‌ای طولانی دارد، و از زمان مطرح‌شدن آن به‌صورت ساختاریافته بیش از نیم قرن می‌گذرد، در ایران اقبال نویسندگان به این حوزه از دهه ۱۳۸۰ شروع شده است. نوشته‌های اولیه ترجمه متون خارجی و پس از آن تألیف و گردآوری بودند. از جمله ترجمه‌ها می‌توان به تجارت الکترونیک و برنامه‌ریزی منابع سازمان تألیف شیلدز و ترجمه علی پارسائیان و پیام حنفی‌زاده (۱۳۸۳)، انتشارات ترمه) و برنامه‌ریزی منابع سازمان و فراسوی آن تألیف لنگن والتر و ترجمه محمدرضا عاطفی و سیاوش ناوه‌کش (۱۳۸۶) اشاره کرد. تازه‌ترین ترجمه در این زمینه نیز کتاب برنامه‌ریزی منابع سازمان تألیف مری سامنر است که رسول شقایب و نورالدین دبیری ترجمه کرده‌اند. در کنار این ترجمه‌ها، دو اثر تألیفی نیز در این زمینه منتشر شده است که اولی برنامه‌ریزی منابع سازمان‌ها تألیف جواد علیزاده است که در سال ۱۳۸۶ منتشر شده و دومی تألیف محمدرضا و رضا رضایی‌پور است با همین که نشر دهمرا در رشت به چاپ رسانده است.

بررسی انتشارات مربوط به حوزه برنامه‌ریزی منابع سازمان نشان می‌دهد که محتوای بیشتر آنها ترجمه‌ای از آثار خارجی است و در موارد معدودی مؤلفان به ارائه مطالب مرتبط با مسائل داخلی پرداخته‌اند.

محورهای کتاب

کتاب در یک مقدمه و سه فصل سامان یافته است. مؤلفان کوشیده‌اند که ابتدا در مقدمه‌ای کوتاه کلیاتی درخصوص دانش و اهمیت آن در سازمان‌ها و نقش فناوری اطلاعات در شکل‌دهی نظریات جدید اقتصادی ارائه دهند. البته با توجه به اینکه یک فصل به مقدمه اختصاص یافته است، مؤلفان مطالبی کمتر از حد انتظار در این مقدمه گنجانده و بسترهای لازم برای بحث در فصل‌های آتی را فراهم نیاورده‌اند.

در فصل دوم که تقریباً ده درصد کل حجم کتاب را به خود اختصاص داده، تلاش شده است با تمرکز سریع بر سطح سازمانی، سیستم‌های اطلاعاتی معرفی و به بحث گذاشته شود. از این‌رو ابتدا زیرسیستم‌های مرتبط با حوزه‌های عملیاتی سازمان مورد بحث قرار گرفته است که عبارتند از: زیرسیستم منابع انسانی، زیرسیستم حسابداری، زیرسیستم مالی، زیرسیستم تولید و زیرسیستم بازاریابی و فروش. سپس انواع سیستم‌های اطلاعاتی همانند پردازش تراکنش، اتوماسیون اداری، سیستم اطلاعات مدیریت، پشتیبانی تصمیم‌گیری و پشتیبانی اجرایی معرفی و تبیین شده است. در بخش دیگری از این فصل سیستم‌های اطلاعاتی جامع و یکپارچه و سیستم‌های خبره بررسی شده است.

در فصل سوم، مدیریت دانش به‌صورت نسبتاً جامع بررسی



کتاب به شکل کنونی می تواند یک منبع ارزشمند در حوزه برنامه ریزی منابع سازمان تلقی شود، ولی تزریق نگاه بومی به محتوای کتاب می تواند آن را به منبعی بی بدیل در این حوزه تبدیل کند

بحث‌ها نگاهی عملیاتی به آنها داشته و از پرداختن به بحث‌های انتزاعی صرف خودداری کرده‌اند. این نوع نگاه در فصل‌های سه‌گانه کتاب به صورت برجسته به چشم می‌خورد. دوم اینکه در ارائه بحث‌ها، دیدگاه سازمانی بر سایر دیدگاه‌ها مقدم بوده و از پرداختن به مطالب حاشیه‌ای و زمینه‌ای پرهیز شده است. از این رو کتاب برای کسانی که به کسب اطلاعات مختصر در خصوص برنامه‌ریزی منابع سازمان علاقه‌مندند، منبع مناسبی است.

نقد کتاب

با توجه به ضعف منابع و تألیفات داخلی در حوزه برنامه‌ریزی منابع سازمان لزوم نگاه تألیفی و بومی در این حوزه بیش از پیش آشکار می‌شود. اگرچه مؤلفان کوشیده‌اند که بخشی از مطالب را به صیغه تألیف آغشته کنند، وجه غالب کتاب، ترجمه مطالب از منابع خارجی است. نفس ترجمه از آثار خارجی عیب بزرگی بر این کتاب نیست، اما از آنجاکه مؤلفان می‌توانستند مسائل و مشکلات بومی سازمان‌های ایرانی را در قالب مثال‌ها و نمونه‌ها مورد توجه قرار دهند، کارآیی مطالب در حوزه عملیاتی سازمان‌های ایرانی را با مشکل روبه‌رو کرده است. با توجه به سابقه اجرایی و علمی مؤلفان انتظار می‌رفت که این مسئله به صورت پررنگ مورد توجه آنها قرار گرفته باشد.

رویکرد ترجمه مذکور موجب ورود بیش از اندازه اصطلاحات با املائی لاتین به داخل متن شده و هماهنگی متن را به لحاظ نوشتاری با مشکل روبه‌رو کرده است. در حالی که مؤلفان می‌توانستند با درج املائی فارسی اصطلاحات، روانی و سلاست متن را ارتقا دهند.

به لحاظ حجمی، فصل‌های کتاب با هم متعادل نیست، به گونه‌ای که فصل دوم فقط ده درصد حجم کل کتاب و فصل چهارم حدود پنجاه درصد مطالب کتاب را به خود اختصاص داده است. با ایجاد توالی منطقی بین فصل‌ها می‌شد زمینه را برای پرداخت مناسب به همه مطالب فراهم آورد. برای نمونه در فصل دوم سیستم‌های اطلاعاتی بسیار محدود بوده است. در حالی که سیستم‌های اطلاعاتی کانون اصلی برنامه‌ریزی منابع سازمان است.

در داخل متن به منابع مورد استناد ارجاع داده نشده است. اگرچه نویسندگان در پایان هر فصل منابع و مأخذ را فهرست کرده‌اند، به نظر می‌رسد که برای یک کتاب علمی که دانشجویان را به عنوان مخاطب خود قرار داده است، رعایت امانت‌داری و ارجاع دقیق در محل استفاده به منابع مربوط اهمیت بسزایی دارد.

رعایت موارد مذکور در چاپ‌های آتی می‌تواند این کتاب را به عنوان یک منبع مهم در زمینه برنامه‌ریزی منابع سازمان مطرح کند. البته گفتنی است که کتاب به شکل کنونی می‌تواند یک منبع ارزشمند در حوزه برنامه‌ریزی منابع سازمان تلقی شود، ولی تزریق نگاه بومی به محتوای کتاب می‌تواند آن را به منبعی بی‌بدیل در این حوزه تبدیل کند.

پی‌نوشت‌ها

1. hasanzadeh@modares.ac.ir
2. BSC
3. EFQM
4. Enterprise Resource Planning (ERP)
5. Material Requirements Planning (MRP)
6. Manufacturing Resources Planning (MRP II)

شده است. ابتدا تعاریف، تاریخچه و مفاهیم اساسی مدیریت دانش سازمانی ذکر و مطالبی در خصوص دلایل مزیت پایدار دانش در اقتصاد کنونی بیان شده است. در ادامه به مباحثی مانند صورت‌های دانش، سلسله‌مراتب دانش و اقتصاد دانش بنیان به همراه چارچوب‌ها و استراتژی‌های مدیریت دانش و دانش‌آفرینی در سازمان‌ها پرداخته شده است. بخش دیگری از فصل سوم به سرمایه فکری و مدل مفهومی بازار دانش اختصاص دارد و به دنبال آن آینده مدیریت دانش و ناکامی آن در سازمان‌ها بررسی شده است. این فصل حدود سی درصد حجم کل کتاب را به خود اختصاص داده است.

در فصل چهارم که بیشترین حجم کتاب را دربردارد، برنامه‌ریزی منابع سازمان به تفصیل بررسی شده است. مؤلفان ابتدا در قالب مقدمه و پیش‌زمینه بحث‌های بعدی، مفهوم برنامه‌ریزی نیازمندی‌های مواد و برنامه‌ریزی منابع ساخت را تبیین کرده و مشکلات و مزایای آن را بررسی کرده‌اند. سپس بحث مربوط به برنامه‌ریزی منابع سازمان با معرفی مختصر این مفهوم آغاز شده است. مؤلفان کوشیده‌اند که در این زمینه تصویری کامل از سیر تکامل برنامه‌ریزی منابع سازمان و چالش‌های پیش‌روی آن ارائه دهند. در این زمینه بحث‌های زیر مورد توجه قرار گرفته است: چرخه عمر سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان؛ هزینه‌های مربوط؛ انگیزه‌های اصلی؛ پیش‌درآمد پیاده‌سازی یک برنامه‌ریزی منابع سازمان؛ روش‌های پیاده‌سازی؛ مراحل پیاده‌سازی؛ شکست در پیاده‌سازی؛ عوامل کلیدی موفقیت؛ ارتقا و به‌روزرسانی و نگهداری سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمان.

نکات برجسته کتاب

با مطالعه فصل‌های مختلف کتاب مدیریت دانش و برنامه‌ریزی منابع سازمان، چند نکته برجسته به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده توانمندی و دقت مؤلفان در طرح مسائل و نوع نگاه به تبیین آنهاست. نخست اینکه به نظر می‌رسد مؤلفان، به‌ویژه مؤلف اول، در زمینه مطالعات سازمانی از تجربه لازم بهره‌مند بوده و در طرح‌ریزی